جناب حاجی میرزا علی اکبر نراقی

هو اللّه تعالی شأنه العظمة و القدرة و الکبریآء

اشهد اللّه و ملائکته و انبیائه و اصفیائه و اولیائه و احبّائه و اودّائه بأنّ تنزیل الآیات من اللّه مالک الأسمآء و الصّفات بلغ الی مقام عجز المخلصون عن احصائها و الکاتبون عن تحریرها و انّها تنزل فی الصّباح و المسآء و فی آنآء اللّیل و اطراف النّهار و انّی مع عجزی و عجز ما دونی عن تحریرها کیف اقدر ان اشتغل الی شیء آخر و ازاحم احبّآء اللّه بکلماتی الّتی لا تغنی و لا تثمر لعمر اللّه انّ قلبی کان مشتاقاً بذکر احبّآء اللّه ولکن لن اجد الفرصة لأذکرهم بذکری الّذی یحکی عنّی و یلیق لنفسی لذا اطلب منهم العفو فی کلّ الأحوال لیعف اللّه عنهم فضلاً من عنده انّه لهو العفوّ الغفور

همیشهٴ اوقات قلب و لسان و قلم مشتاقست بذکر دوستان و آقایان ولکن این عبد فانی بشأنی مشغولست که فرصت استماع ذکری او تحریر کلمه‌ئی نمییابد لذا اگر در جواب تأخیری شود و یا تعطیلی رود امید عفو است مکاتیب آن جناب پی ‌در پی وارد و چون بطراز ذکر مالک اسماء مزیّن بود کمال بهجت و انبساط دست داد ولکن از امورات واردهٴ بر آن جناب حزن شدید روی نمود اگرچه فی‌الحقیقه ملاحظه شود آنچه لوجه اللّه و فی امر اللّه و فی سبیل اللّه و فی رضآء اللّه وارد شود نعمت باقیه بوده و خواهد بود چه که هیچ عملی بی مکافات و بی مجازات نبوده و نیست و مکافات اعمال طیّبه در کتاب الهی ثبت شده و بدوام ملک و ملکوت باقی خواهد ماند لذا آن جناب باید از امورات وارده محزون نباشند

عرایض آن جناب در ساحت اقدس عرض شد هذا ما تکلّم به لسان العظمة ای علی قبل اکبر هنگامی که تلقاء عرش در منظر انور حاضر بودی ملکوت بیان الهی ترا بحکمت امر فرمود باید در کلّ احوال بآن ناظر باشی و هر نفسی بآنچه از مبدأ مشیّت ظاهر شده عامل شود من غیر فتنه و ضوضاء عباد بآنچه اراده نموده فائز گردد حکمت جوهریست جذّاب هر بعیدی را بمقرّ قرب جذب نماید و هر غریبی را بوطن کشاند نفوسی که بزخارف دنیا دل بسته‌اند و بمناصب فانیه مغرور گشته‌اند متنبّه نشوند و از خواب غفلت بیدار نگردند مگر باسبابی که حقّ بآن عالم است و حکمت مذکورهٴ در کتب و الواح اسّ این اساس بوده و هست انّ ربّک لهو العلیم الخبیر اگر دست قدرت حجاب این مقام را بردارد و ما عند اللّه مشهود شود کل شهادت دهند که آنچه از قلم اعلی جاری شد همان محبوب و موصل بمطلوبست قد قرئ کتابک لدی الوجه و اجبناک بهذه الکلمات الّتی بها اشرقت شمس علم ربّک طوبی لقوم یعلمون و ما یفوز به الّا المخلصون انتهی

و آنچه از تبلیغ امر مرقوم نموده بودید نسأل اللّه ان یوفّقکم علی هذا الأمر العظیم ای حبیب من قلب این فانی بمثابهٴ نار مشتعل است چه که مشاهده میشود حقّ ظاهر و ملکوت بیان باهر و یوم اللّه مشهود و مع‌ذلک نفوسی که خالصاً لوجه اللّه ناس را متذکّر نمایند و بحقّ بخوانند مثل اکسیر احمر کم‌یاب مشاهده میشوند کم من ارض باتت من غیر زرع و حرث و کم من ارض زرعت و حرثت و باتت من غیر مآء و کم من ارض اتی وقت حصادها و لم یکن من حاصد لیحصدها ولکن از بدایع الطاف الهیّه و ظهورات عواطف رحمانیّه امید هست که نفوسی باخلاق ملکوتیّه ظاهر شوند و بتبلیغ امر اللّه و تربیت من فی العالم مشغول گردند آن جهتی که سبب و علّت جذب قلوب و تطهیر نفوس است انقطاع از ما سوی اللّه بوده طوبی از برای نفسی که از رحیق بیان الهی سرمست شد و در انجمن عالم بذکر دوست ناطق گشت این مستی بر شعور بیفزاید و هستی در نیستی آورد شرح این مقام را پایانی نه انّه لهو المبیّن العلیم الحکیم

در هر حال باید دوستان الهی و شاربان رحیق روحانی بحکمت ناظر باشند و به ما انزله اللّه فی الکتاب متمسّک دوستان و محبوبان ارض طاء را از قبل این فانی تکبیر برسانید و همچنین مظلومانی که فی سبیل اللّه بسجن مبتلا گشته‌اند هنیئاً لهم دنیا را اعتباری نبوده و نیست و جمیع اعمال معدوم و فانی خواهد شد مگر اعمال نفوسی که لوجه اللّه بآن قیام نموده‌اند آثار آن اعمال از دفتر ابداع محو نخواهد شد باید از بعد کمال مواظبت ملحوظ دارند تا امری که مغایر حکمت است ظاهر نشود چه که در اکثر الواح این فقره نازل و آنچه از قلم اعلی جاری شده آن مؤثّر و مطلع اثمار بوده و خواهد بود انشآءاللّه در جمیع احوال بخدمت امر مشغول باشید و به ما اراد به المقصود متمسّک اسامی دوستان الهی که در ورقهٴ آن جناب مذکور بود کل لدی الوجه عرض شد طوبی لهم بما ذکرت اسمائهم فی المنظر الأکبر ثمّ هنیئاً لهم انّ لهم حسن مآب انشآءاللّه بر امر اللّه مستقیم باشند چه که این فقره بسیار عظیمست نه مثل بعضی که بهر ریحی متحرّکند و بهر هوائی متّبع و بهر نعیقی متوجّه خدمت جمیع از قول این خادم فانی تکبیر منیع برسانید نسأل اللّه ان یزیّنهم بأثواب الاستقامة و ینطقهم بثنائه بین البریّة انّه لهو المقتدر القدیر

مخدوم‌زادهٴ مکرّم آقا محمّد تقی را تکبیر برسانید انشآءاللّه بتحریر آیات اللّه همیشه موفّق باشند امری محبوب‌تر از آن نیست خطوطی که خواسته بودند خدمت حضرت غصن اللّه الأکبر روحی لتراب مقدمه الأطهر فدا عرض شد فرمودند تو خود شاهد و گواهی که از کثرت تحریر الواح الهیّه فرصت بالمرّه مفقود و غیر مشهود است و فی‌الحقیقه همین است که فرمودند چه که اگر گاهی هم بر سبیل تفرّج ببیرون شهر تشریف ببرند الواح همراهست و در آنجا هم مشغول میشوند مشاهده کنید حال از جمیع بلدان و از ارض‌ها و از اطراف این ارض متّصلاً عرایض میرسد تحریر تنزیل مخصوص است باین عبد و تحریر الواح بحضرت غصن اللّه الأکبر روحی لحرکة قلمه الفدآء فی‌الحقیقه از قدرت حقّ است که فی‌الجمله از عهده برمیآئیم والّا بر حسب ظاهر بسیار مشکل بنظر میآمد نسأله التّأیید فی کلّ الأحوال انّه لهو المؤیّد الکریم

عرض کلّیّهٴ این عبد آنکه باید آن جناب بکمال سعی و اهتمام در الفت و اتّحاد نفوس مشغول باشند اختلافی که در آن ارض واقع شد فی‌الحقیقه سبب تضییع امر اللّه بوده دوستان از آن محزون شدند و دشمنان از آن مسرور گشتند این فقره لدی اللّه بسیار عظیمست در هر حال باید جمیع بحبل اتّحاد متمسّک باشند بشأنی که احدی رایحهٴ اختلاف از احبّای الهی استشمام ننماید الیوم که سیّد ایّام و سلطان ازمان و اوقات است باید از وجوه مؤمنین باللّه نضرهٴ رحمن مشاهده شود باری فقرهٴ اختلاف سبب حزن کلّی شد و عالم را تیره نمود انشآءاللّه این نار اختلاف بکوثر محبّت و اتّحاد فانی و معدوم شود تا کل به ما اراده اللّه فائز گردند البهآء علیکم

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۸ نوامبر ۲۰۲۲، ساعت ۱۰:۳۰ قبل از ظهر